

منطقه‌گرایی شرق آسیا

جهان سه‌قطبی را ترسیم می‌کند

اشاره:

شرق آسیا از اقتصاد قوی برخوردار است و خواستار سهم افزون‌تر در اقتصاد و تجارت جهانی است. با وجود زمزمه‌های جهانی شدن و جهان تک‌قطبی به رهبری آمریکا، شرق آسیا و اتحادیه اروپا نمی‌توانند رهبری بلامنزاع آمریکا در سیاست و اقتصاد جهانی را تحمل کنند.

شرق آسیا ضمن همسویی با فرآیند جهانی شدن و گشایش بازارهایشان، به منطقه‌گرایی نیز توجه ویژه دارد. از یک سو در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام (اوپک) به همسویی، هماهنگی و همکاری با آمریکا برای حفظ پایگاه اقتصادی و تجاری خود و کاهش منازعات اقتصادی می‌پردازد و از سوی دیگر اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) در حال گسترش است و ژاپن، کره جنوبی و چین را دربرخواهد گرفت.

در هر حال، منطقه‌گرایی شرق آسیا، حرکت به سوی جهان سه‌قطبی را نوید می‌دهد. با وجود بحث‌های گوناگون تجارت آزاد جهانی در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت (WTO) در حال حاضر بلوک‌های منطقه‌ای نظیر پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، اروپای متحد، شرق آسیا (آسه‌آن به علاوه ۳) و اوپک (سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام) همچنان فعال می‌باشند. این در حالی است که شرق آسیا تمایل به نفوذ در آمریکای جنوبی را نیز با عقد قراردادهای دو و چندجانبه بروز داده است.

مقاله حاضر که توسط خانم لیلی عمرانی از نشریه اکونومیست ترجمه و تلخیص شده است، نگاهی به جهان سه‌قطبی یا به عبارتی «به سوی جهانی سه‌جانبه» دارد.

پیشنهادی از سوی بلوک‌های منطقه‌ای بزرگ، همچون پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) یا «اتحادیه اروپای توسعه‌یافته» ناشی می‌شوند.

این تحولات همچنین احتمالاً از قراردادهای تجاری منطقه‌ای که اینک به شدت از سوی ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور و سایر کشورهای واقع در شرق آسیا مورد بحث قرار گرفته‌اند، ناشی

تغییرات در معماری مالی جهان، احتمالاً از قراردادهای جدید منطقه‌ای که از سوی ژاپن، چین، کره جنوبی و اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) مطرح شده است، نشأت می‌گیرد.

در مسأله تجارت، این امر حقیقت دارد. مؤثرترین تغییرات در نظام تجارت جهانی به ویژه در کوتاه‌مدت، احتمالاً از سازمان جهانی تجارت یا قراردادهای

گروه ۷ مرکب از کشورهای صنعتی و صندوق بین‌المللی پول وقتی بحث به مسایل مالی در سطح بین‌المللی می‌رسد، تمایل دارند فکر کنند که آنها مسؤول معماری قضایای مالی جهان هستند. (گروه ۸ زمانی به گروه مذکور اتلاق می‌شود که روسیه در آن گروه شامل می‌شود). اما کاملاً این طور نیست. دست‌کم در میان‌مدت، مهمترین

شده‌اند.

کشورهای شرق آسیا به واقع بدون توجه به بقیه کشورهای جهان، به منظور انجام ترتیبات اقتصادی خودشان، در صدد گردهمایی هستند. در نتیجه برای اولین بار در طول تاریخ جهان در حال تبدیل شدن به یک ترکیب سه‌بلوکه است.

نه تنها روابط اقتصادی جهان، بلکه روابط سیاسی به سمتی خواهند رفت که این ترتیبات جدید شکل می‌گیرند و به سوی می‌روند که می‌بایست آمریکا و سایر کشورهایی که خارج از منطقه برای پاسخگویی به آنها باید تصمیم بگیرند.

گام‌های اولیه

ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی برای اولین بار در دهه گذشته پیشنهاد تشکیل گروه اقتصادی شرق آسیا (EAEG) را ارائه کرد.

ابتدا اتفاقی رخ نداد، زیرا ماهاتیر محمد به عنوان یک حمایت‌کننده از تولیدات داخلی مورد سوءظن بود، ولی بعدها بیم آن می‌رفت که آمریکا «در وسط اقیانوس آرام خط بکشد».

اما در عوض آمریکا به‌طور موفقیت‌آمیزی به اتکال به کنفرانس همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (اپک) ادامه داد.

با این حال، آسیا یا هیاوهای بسیار کمی، اینک مبادرت به ایجاد «آسه‌آن+۳» کرده است که پیمان کشورهای عضو آسه‌آن به علاوه چین، ژاپن و کره جنوبی با در نظر گرفتن پیشنهاد ماهاتیر محمد در آن عضویت دارند. این گروه که اجلاس سران خود را به ترتیب برای مدت سه سال برگزار کرده‌اند، مبادرت به ایجاد یک گروه بصیرت کرده و جلسات عادی وزیران دارایی خود را برگزار می‌کند.

«آسه‌آن+۳» در ابتدا دست‌کم مانند گروه ۷ به نظر می‌رسد. «آسه‌آن+۳» به

فعال‌ترین گروه‌بندی منطقه‌ای در دنیای خارج از اروپا تبدیل شده است و تقریباً بیش از پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) از ماشین‌آلات پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر برخوردار است.

این گام اول است و بنا به دلایلی بررسی خواهیم کرد، هنوز جوهر یا یکپارچگی سایر شرکا را ندارد. سرعت منطقه‌گرایی جدید آسیا در خصوص مسایل مالی بیش از تجارت است. به نظر غیرعادی می‌آید. مثلاً در اتحادیه اروپا و سایر پیشروان بزرگ، تسلسل به گونه‌ای دیگر است.

لیکن ترتیبات تجاری از نظر سیاسی مشکل هستند و سازمان‌دهی آن کند پیش می‌رود. توافقنامه‌های پولی می‌توانند بدون آنکه تبعیضی با سایرین قایل شود، به رغم اکثر پیمان‌های تجاری، به خوبی پیش بروند.

به علاوه، مسایل مالی همچنان در مرکز بحران داخلی شرق آسیا در چند سال گذشته قرار دارند.

«آسه‌آن+۳» یک سیستم تبادل ارزی در سطح منطقه اعلام کرد که به آنها در حل بحران‌های آینده آسیا کمک کند.

این درست مشابه شبکه‌ای است که از سوی گروه ۱۰ کشور صنعتی در اوایل دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد، زمانی که آنها با اولین نوسانات پولی جهانی در دوره پس از جنگ دوم جهانی مواجه شدند.

ساختارهای مالی شبه‌منطقه‌ای نیز رو به گسترش هستند: آسه‌آن یک مکانیزم نظارتی ایجاد کرده است تا بتواند بحران‌های آینده را پیش‌بینی کند و البته این کار را با بهره‌گیری از شاخص‌های پیشرفته هشداردهنده انجام می‌دهد و در این راستا کشورهای شمال شرقی آسیا به‌طور مشترک روی تحرکات کوتاه‌مدت سرمایه‌ای در حومه خود نظارت دارند.

گفت‌وگوی زیادی در مورد ایجاد سبدهای ارز مشترک و پیوستن به

ترتیبات پولی مداخله‌ای برای جایگزینی دلار در گذشته انجام شده است.

درست سه سال پس از آنکه این ایده رد شد، صندوق پولی آسیا شروع شد. چین که پیشنهاد اصلی ژاپن را محکوم کرد، اینک از ابتکار عمل‌های فعلی حمایت می‌کند.

هنگ‌کنگ و فیلیپین هر دو پیشنهادی مبنی بر ایجاد یک واحد ارز آسیا با مدل یورو ارائه داده‌اند. هیچ‌یک از کشورهای شرق آسیا در مورد مسایل تجاری وقت تلف نکرده‌اند. اما هیچ حرکت قابل تشخیصی به سمت منطقه آزاد تجاری شرق آسیا که از سوی فیلیپین پیشنهاد شد نیز، وجود ندارد. لیکن تعداد فزاینده‌ای از توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه به‌ویژه توسط ژاپن که دومین اقتصاد بزرگ جهانی است و بزرگترین اقتصاد در منطقه است، مورد مذاکره قرار گرفته است.

ژاپن کاملاً به سیستم چندجانبه متکی است، ولی در حال حاضر این کشور به‌طور فعال از ترتیبات ترجیحی با کره جنوبی، سنگاپور، مکزیک و کانادا پیروی می‌کند.

کره جنوبی که سومین اقتصاد بزرگ در منطقه است و در ضمن مخالف پیمان‌های ترجیحی در گذشته بوده، در حال حاضر سرگرم مذاکره با نیوزیلند و شیلی و همچنین ژاپن است.

کشورهای جنوب شرقی آسیا به‌طور مشابه سرگرم مذاکره در مورد ارتباط منطقه تجارت آزاد آسه‌آن با منطقه تجارت آزاد استرالیا و نیوزیلند است.

ایجاد یک منطقه تجارت آزاد شمال شرقی آسیا در میان چین، ژاپن و کره جنوبی در دست بررسی است و احتمالاً با منطقه تجارت آزاد آسه‌آن در هم ادغام می‌شوند تا بتوانند کل شرق آسیا را پوشش دهند.

چرا پیشنهاد گروه اقتصادی شرق آسیا (EAEG) دکتر ماهاتیر محمد، صندوق پولی آسیا و ایده ایجاد گروه تجاری آسیا در آغاز قرن ۲۱ دوباره جان گرفته‌اند؟ چهار دلیل وجود دارد: بحران مالی شرق آسیا، شکست سازمان جهانی تجارت و سازمان همکاری اقتصادهای آسیا - اقیانوسیه (آپک) در پیشبرد آزادسازی تجاری، القاء مثبت ایجاد شده با یکپارچگی اروپا (به‌ویژه یورو) و ناآرامی گسترده با رفتار آمریکا و اتحادیه اروپا.

عوامل عمده تسهیل‌کننده برای منطقه‌گرایی شرق آسیا و این دلیل که این مقوله از جنبه پولی سریع‌ترین حرکت را داشته، بحران مالی ۹۸-۱۹۹۷ شرق آسیا است، اکثر کشورهای آسیایی احساس می‌کنند که غرب مانع فعالیت آنها شده است. به نظر آنها، بانک‌های غربی و سایر وام‌دهندگان با امتناع از همکاری خود موجب بحران شده‌اند. قدرت‌های برجسته مالی سپس یا از شرکت در عملیات نجات امتناع کرده‌اند، مانند آنچه آمریکا در تایلند انجام داد و یا «دومین خط دفاعی» پرسروصدایی را ایجاد کردند.

در همان حال، آمریکا و صندوق بین‌المللی پول اکثر پاسخ‌های بحران را دیکته کردند. وفاداری به «اتفاق نظر واشنگتن» برای شایسته بودن جهت اخذ کمکی رسمی و دوباره دست یافتن به بازارهای مالی خصوصی، به منزله یک ضرورت در آن هنگام تلقی شد.

این نقطه‌نظر مبسوط که برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول مسایل را دست‌کم برای مدتی وخیم‌تر کرده، نظری که از سوی برخی اقتصاددانان در غرب نیز اعلام شده، همچنان موجب ناراحتی کشورهای آسیایی شده است. بهبود وضع مالزی بدون کمک

صندوق بین‌المللی پول، دلالت بر این دارد که پذیرش هنجارهای جهانی با همه این اوصاف احتمالاً خیلی هم مهم نبوده است. درک وقایع سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ آسیا حالتی بسیار گزینشی دارد.

بانک‌ها احتمالاً بزرگترین نقش را در جریان‌ات ارز داشته‌اند. از آنجایی که اقتصاد اکثر کشورهای بحرانی اینک به سرعت رو به رشد گذاشته‌اند، می‌توان گفت که برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول به‌طور اساسی موفقیت‌آمیز بوده‌اند.

ایالات متحده اقتصاد خود را همچنان شکوفا نگه داشته و بازار خود را باز گذاشته است و افزایش بیشتر در کسری تراز تجاری خود را پذیرفته است. برعکس، ژاپن در رکود فرورفته و ارزش ین در برابر دلار سقوط کرده است.

از این رو مازاد تراز تجاری رکوردگونه ژاپن حتی بالاتر رفته و مسایل کشورهای آسیایی را وخیم‌تر کرده است. دیپلماسی بی‌منطق آمریکا نتوانست با این تناقضات کامل برای خود سرمایه جمع کند و وضع ژاپن دست‌کم با سرازیر کردن پول دولت در جهت تأمین اضطراری‌ترین نیازهای کشورهای آسیا بهبود یافت.

درست یا اشتباه بودن این نظرات هر چه که باشد، شرق آسیا بر آن شده است که نمی‌خواهد بنده یا غلام واشنگتن یا غرب باشد.

شرق آسیا، مؤسسات چندجانبه را رد نمی‌کند و به‌تنهایی بازارهای سرمایه‌ای بین‌المللی یا جهانی شدن تجارت را انتخاب نمی‌کند، زیرا می‌داند که این امر بیش از آنکه موجب تقویت دورنماهای آن شود، موجب تضعیف می‌شود. به نظر می‌رسد که شرق آسیا مایل است با آنها همکاری کند و در چارچوب نهادهای موجود کار کند. لیکن شرق آسیا به وضوح احساس می‌کند که مؤسسات چندجانبه که تَبلاً تمایل به

اتکای به آنها را داشت، لغزش‌ناپذیر نیز نیستند.

شرق آسیا متذکر می‌شود که اقتصاد متراکم و تجارت خارجی آن به وسعت اقتصاد و تجارت خارجی آمریکا و اتحادیه اروپا است و ذخایر پولی آن نیز بیشتر از آنها است. از این رو شرق آسیا مایل است که مؤسسات خود را داشته باشد و سرنوشت خود را خود تعیین کند. شرق آسیا زمانی که قدرت خود را دوباره به‌دست آورد، مصمم است که دیگر هرگز وابسته نشود.

امری تعجب آور از سیاتل

چیزی که موجب انگیزش این احساس شده، آیا به‌طور عمده از شکست‌های نظام جهانی تجارت حاصل شده است؟ بدبختانه تمام کشورهای شرق آسیا منجمله چین و ژاپن برای رشد اقتصاد خود همچنان به‌طور شدیدی به توسعه صادرات وابسته هستند. کشورهای بحران‌زده در حین اینکه برای بهبود وضع خود تلاش می‌کنند، حتی به صادرات وابسته‌تر شده‌اند. در نتیجه، همه این کشورها تمایل به دستیابی بیشتر به بازارهای خارجی را دارند. به علاوه، آنها دریافته‌اند که اگر سیستم به آزادسازی ادامه ندهد، همواره خطر (ریسک) برگشت به حمایت از تولیدات داخلی وجود دارد.

کشورهای شرق آسیا به این امر واقف هستند که این تهدید به ویژه در آمریکا، بسیار حاد است. آمریکا کشوری است که بزرگترین بازار آنها را تشکیل می‌دهد و جایی است که حمایت داخلی برای دور جدید آزادسازی به مدت ۵ سال است که با وجود تزلزل اقتصاد، وجود دارد. آمریکا کشوری است که کسری تراز تجاری آن می‌رود تا به ۵۰۰ میلیارد دلار در سال برسد.

آنها همچنین شاهد هستند که اتحادیه

اروپا به‌طور غریزی هوادار آزادسازی بیشتر نیست.

نه‌تنها اجلاس سیاتل با شکست مواجه شد، بلکه مذاکرات تجاری از طریق سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (آپک) به همان دلایل مشابه با زکود مواجه شد، دلایلی همچون اختلافات شدید بین آمریکا و ژاپن.

کشورهای شرق آسیا نمی‌توانند با احیای رهبری آمریکا مواجه شوند و آن را در ذهن خود مجسم کنند و یا حتی مشارکت فعال آمریکا را بدون اعمال شرایط جدیدی که آمریکا به‌طور قوی پیشنهاد می‌کند را در سر پیورراندند. این شرایط شامل اصلاحات جدی بخش کشاورزی است که از سوی ژاپن، کره جنوبی و چین با آنها مخالفت شده است. آنها در ضمن نمی‌توانند اعمال استانداردهای کاری تجاری و زیست‌محیطی که به‌طور واقعی از سوی تمامی کشورهای روبرو توسعه در منطقه رد شده است، را انتظار داشته باشند.

آنها متذکر می‌شوند که ایالات متحده نتوانست ابتکار عمل "P5" خود را (با استرالیا، شیلی، زلاندنو و سنگاپور) در اجلاس سران سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آپک در سال ۱۹۹۹ به اجرا درآورد. بنا به همین دلایل، تعداد روبه‌رشدی از کشورهای آسیایی برای دستیابی به جریان آزادسازی به پیمان‌های تجاری شبه‌منطقه‌ای و سیاست‌های بیمه موردنیاز خود روی می‌آورند.

تاکنون، هیچ‌یک از این پیمان‌ها تهدید خاصی را برای منافع تجاری آمریکا یا اروپا مطرح نکرده‌اند. به همین دلیل، توجه زیادی را به‌خود جلب نکرده‌اند. لیکن وقفه مستمر در کار سازمان جهانی تجارت و آپک می‌تواند به بسط چارچوب جدید تجارت شرق آسیا و یک منطقه تجارت آزاد شرق آسیا یا

دست‌کم حلقه‌ای بین چین، ژاپن و کره جنوبی در شمال شرق آسیا منجر شود.

هر یک از این موارد می‌تواند ساختار تجارت جهانی را تغییر دهد. سیر تکامل شرق آسیا در انزوای رخ نداده است. این امر بخشی از یک الگوی وسیع‌تر مذاکرات تجارت ترجیحی است. برای مثال، تجارت فراسوی اقیانوس اطلس بین اتحادیه اروپا و مکزیک و یا اتحادیه اروپا و بازار مشترک آمریکای جنوبی (مرکوسور) و زوجهای فراسوی اقیانوس آرام همچون شیلی و کره جنوبی و یا کانادا و سنگاپور، این پیمان‌ها در سراسر ایالات متحده به مذاکره گذاشته می‌شوند، زیرا آمریکا در این برهه از زمان قادر به مشارکت در آزادسازی جدید به خودی خود نیست. هرگونه بسط سیاست «حمایت از تولیدات داخلی» در آمریکا (یا اروپا) موجب انگیزه‌ای برای تلاش‌های شرق آسیا خواهد شد.

آیا «مونه» یک نقاش نبود؟

با این حال، آن تلاش‌ها در ضمن با موانعی مواجه می‌شوند. منطقه با اختلافات گسترده‌ای در نظام‌های فرهنگی - سیاسی و سطوح توسعه اقتصادی مواجه است. طرح‌ها و راهبردهای زیادی مربوط به مشارکت شرق آسیا وجود دارد که تعداد آنها بیش از تعداد کشورهای منطقه و فضای ملو از بی‌اعتمادی سیاسی و یا حتی خصومت به ویژه بین چین و ژاپن موجود است.

به علاوه، اکثر کشورها، حتی آنهایی که در جنوب شرق آسیا قرار دارند، مدت سه دهه است که به‌طور نهادی از طریق اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) به یکدیگر پیوسته‌اند، اما یکدیگر را بیش از آنکه به چشم شریک بنگرند، به چشم رقیب نگاه می‌کنند. کشورهای حمایت‌کننده از تولیدات

داخلی در شرق آسیا اشتیاق چندانی به آزادسازی تجارت با همسایگان خود در سطحی گسترده را ندارند.

کشورهای آسیایی خود این مسأله را مورد استهزا قرار داده‌اند که اکثر هموطنان آنها فکر می‌کنند که «مونه» یک نقاش و شومان یک آهنگساز بوده‌اند.

لیکن بسیاری از ناظران در چند سال گذشته پیش‌بینی کرده‌اند که همکاری نه‌چندان زیادی در حال حاضر وجود خواهد داشت و بسیاری از رهبران آسیایی هستند که در فراتر رفتن این روند بسیار جدی هستند. مدل اروپایی اینک بیش از آنچه که به خاطر تشریفات اداری (بوروکراسی) آن مورد مخالفت باشد، در سطح وسیعی مورد تحسین قرار گرفته است.

بقیه کشورهای جهان باید آنچه که منظور این تحول است را در صورت ادامه تشخیص دهند. تنظیم یا صاف‌بندی‌های منطقه‌ای و احتمالی به اندازه کافی برای ایجاد یک جهان سه‌جانبه که پیش‌بینی آن شده، انجام شده است.

گروه‌بندی اقتصادی شرق آسیا، اشارات بسیاری در مورد سیستم‌های جهانی دربردارد. از یک سو این امر می‌تواند بسیاری از تجارب اروپا را دوباره روی کار بیاورد. چین و ژاپن که مانند فرانسه و آلمان به‌طور بدی در جنگ بوده‌اند، می‌توانند امکان دشمنی نظامی آینده را از بین ببرند و ثبات آنچه که به‌طور بالقوه حساس‌ترین منطقه جهان است را تضمین کنند.

یکپارچگی اقتصادی آسیا موجب پیدایش یک رقیب حیرت‌انگیز می‌شود، ولی در ضمن انگیزه بزرگی برای رشد جهانی، تجارت و سرمایه‌گذاری را فراهم خواهد آورد.

گروه کشورهای شرق آسیای متحد شده بیشتر از کشورهای مستقل آسیایی

که به تنهایی عمل کنند، می‌توانند صلح بین‌المللی را تضمین سازند و می‌توانند شریک سه‌جانبه مؤثری با آمریکا و اروپا در اداره اقتصاد جهانی شوند.

از سوی دیگر، یک گروه کشورهای شرق آسیای متحد می‌تواند یک نیروی مخرب نیز باشد.

این گروه با برخورداری از سپرده‌های عظیم ملی و ذخایر ارزی به میزان فعلی بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار، می‌تواند بازارهای سرمایه خود را توسعه دهد و به‌طور فزاینده‌ای توصیه‌های مؤسسات مالی جهانی را نادیده بگیرد. شرق آسیا آنقدر وسیع است که بتواند راهبردهای توسعه‌ای منطقه‌ای را دنبال کند و در برابر نیروهای خارجی ایستادگی کند و علیه آنها تبعیض قایل شود و برخی از پیمان‌های تجاری احتمالاً قوانین سازمان جهانی تجارت را نقض خواهد کرد که البته این امر به جز بخش‌های کشاورزی و سایر بخش‌های حساس است.

سایر قدرت‌های بزرگ می‌توانند به نوبه خود تصمیم بگیرند و شاید این تصمیم را احتمالاً با احیای ایده ایجاد منطقه آزاد تجاری فراسوی اقیانوس اطلس اتخاذ می‌کنند که علیه آسیا تبعیض قایل می‌شوند.

هر نشانه‌ای که حاکی از این باشد که شرق آسیا همکاری فراسوی اطلس را رد می‌کند، می‌تواند موجب تقویت انزوای طلبان در آمریکا شود و موجب عقب‌نشینی آمریکا از پیمان‌های امنیتی و اقتصادی شود.

از این رو، منطقه‌گرایی آسیا همچون منطقه‌گرایی در جاهای دیگر می‌تواند هر یک از این راه‌ها را برود. نتیجه کار از طریق سیاست در شرق آسیا و سایر کشورهایی که برای یافتن پاسخ کار می‌کنند، تعیین خواهد شد.

نیاز اولیه برای دستیابی به تحول

تعاون، برای کشورهای شرق آسیا و جهان خارج از آنهاست که به‌طور فعال به مشاوره پردازند و شاید این مشاوره را با آمریکا در سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC) و با اروپا در "ASEM" (جلسات آسیا و اروپا) انجام دهند.

کشورهای شرق آسیا باید به وضوح به کشورهای جهان بگویند که در مورد کاری که انجام می‌دهند، چه فکری دارند و چگونه اعتقاد دارند که کار آنها چه تناسبی با سیستم‌های جهانی و منطقه‌ای دارد. کشورهای غیر از کشورهای شرق آسیا باید به‌دقت گوش فرادهند و توصیه‌ها را به عمل آورند.

دور واضح دیگر تقویت و تعدیل مؤسسات موجود جهانی به طرقتی است که به شکایات کشورهای شرق آسیا پاسخ می‌دهد. اصلاحات معماری بین‌المللی مالی باید عمیق‌تر عمل شوند و سیستم تجاری چندجانبه باید دوباره راه بیفتد و به جلو برود. به علاوه، شرق آسیا شایستگی حضور گسترده‌تری را در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دارد، جاهایی که اروپایی‌ها به‌طور خنده‌داری حضور بیش از حد دارند.

انتصاب معاون نخست‌وزیر تایلند به عنوان مدیرکل بعدی سازمان جهانی تجارت، نشانه خوبی است و کشورهای آسیایی باید به‌طور فزاینده‌ای برای سمت‌های عالی در مؤسسات کلیدی در نظر گرفته شوند.

پیمان‌های منطقه‌ای شرق آسیا و سیستم جهانی می‌توانند به‌خوبی با هم همکاری داشته باشند. هشدار اولیه و اقدام اولیه برای جلوگیری از بروز بحران‌ها، احتمالاً در سطح منطقه‌ای ساده‌تر می‌شوند.

ضمناً یک صندوق پولی آسیا کارهای زیادی می‌تواند برای سیستم مالی بین‌المللی انجام دهد، مانند بانک توسعه

آسیایی (و سایر بانک‌های توسعه منطقه‌ای) که بیش از ۳۰ سال است برای امور مالی بین‌المللی کار کرده‌اند.

پیمان‌های تجاری شبه‌منطقه‌ای و حتی سراسر شرق آسیا می‌تواند اجرای سیستم تجاری جهانی را به همان طریق تسریع بخشد.

موارد مورد توجه در یکپارچگی اروپا از ایجاد بازار مشترک گرفته تا رسیدن به یک بازار واحد، کارهای زیادی در ایجاد انگیزه برای مذاکرات تجاری چندجانبه پس از جنگ دوم جهانی کرده است.

پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (اپک) به ترغیب اروپا در پایان دادن به دور مذاکرات اروگوئه کمک کرده است.

پاسخ‌های مثبت آمریکا و اروپا به پیمان‌های تجاری جدید آسیا می‌توانند اثرات تبعیض‌آمیز آنها را محدود سازد و هم اینکه آنها را در رژیم‌های دوباره احیا شده جهانی و آسیا - اقیانوس آرام جای دهد.

شرق آسیا احتمالاً در لبه یک تحول تاریخی است، مانند حالتی که اروپا در نیم قرن گذشته داشت. کشورهای آسیایی به خودی خود باید تلاش‌های خود را طوری تسریع بخشند که ثبات بین‌المللی را افزایش دهد. لیکن تأسف بار خواهد بود که اگر این ابتکار عمل‌ها به جای آنکه مورد احترام قرار گیرند، رد شوند.

بقیه کشورهای جهان باید نقش جهانی شرق آسیا را بپذیرند و در ذهن خود مؤسسات خود را با شرق آسیا تعدیل نمایند.

موفقیت یا شکست این روند در شکل دادن به جهان در ۵۰ سال آینده، نقش مهمی دارد.